

میدون و سوفیا

بگویم از اینجا کسی باورش می‌شود؟



✎ **پوریا عالمی**

● از دیروز که وحید مظلومین – به‌عنوان سلطان سکه- محاکمه شده، رقت توی فکر. او در این سال‌ها چندبار دستگیر شده و طبق لید گزارش دیروز روزنامه «شرق»، یک بارش را گویا با وساطت بانک مرکزی بیرون آمده. حالا چرا من رقت توی فکر؟ چون من – اگر اشتباه نکنم – وحیدآقا مظلومین را می‌شناسم. البته اگر بگویم با وحید مظلومین هم‌بند بودیم چندان مسئله ایجاد می‌کند:

۱- یک‌طور شوآف دارد که انگار ما هم بعله و حبس کشیدیم و الان هم به مرحله‌ای رسیدیم که خاطرات حبس و حبسیه بنویسیم! ۲- ما به کل خانواده خود و عیال گفتیم آن مدت را رفته بودیم تایلند کار کنیم و ماساژ بگیریم. الان اگر یکهو بفهمند بنده جای ماساژ، توی قوطی بودم، قصه نمی‌شود؟

خلاصه اما چون از دیروز بسیار فکری شده‌ایم، گفتیم امروز داستان وحید مظلومین را تعریف کنیم که اگر در زندان این ستون را خواند بداند که سلامتی سه کس؛ ناموس و رفیق و وطن، اصلا شوخی نیست.

راستش در اولین مواجهه، وحید مظلومین گفت پرونده‌اش ارزی است. من هم گفتم: خوش به حالت! چون پرونده من طولی است! و به قدم اشاره کردم. بعد به او گفتم: به‌به! آقای جمشید بسم‌الله که وحیدآقا ناراحت شد و گفت: جمشید بسم‌الله دلال بود، من صرافم. به قول دانشمندان، ما و وحیدآقا مظلومین و دو رفیق دیگر «کف‌خواب» شدیم. توی آن اتاقک یک تلویزیون هم بود. وحیدآقا از اطلاعات و خبرهای شبکه خبر تلویزیون یا مثلا قیمت نفت روی دریا، قیمت دقیق طلا و دلار و یورو را کف بازار ایران محاسبه می‌کرد و می‌گفت. ما اول بهش می‌خندیدیم. بعد کم‌کم که دیدیم برای خودش نخبه‌ای است شروع کردیم رفع اشکال‌کردن! که چطوری یک‌شبه پولدار شویم.

یادم است یک‌بار به شوخی بهش گفتم: وحیدآقا از اینجا که رقتیم بیرون، پس من می‌آیم بازار، صراف‌ی شما کار می‌کنم که بارم را ببندم! نه گذاشت و نه برداشت و گفت: من ماهی مثلا ۵۰۰ دلار بهت می‌دهم که نیایی و همینی که هستی بمانی و بچسبی به زندگی.

البته خب ما بعدا هرگز همدیگر را ندیدیم متأسفانه وگرنه الان شما حساب کن ماهی ۵۰۰ دلار چقدر شده بود.

چیزی که به نظر ما سه نفر دیگر می‌رسید این بود که وحید مظلومین مغز اقتصادیش خوب کار می‌کند. همان‌طور که وقتی شهرام جزایری و بابک زنجانی حرف می‌زنند آدم می‌بیند اینها با این رانت‌خوارها فرق دارند به‌هرحال، مثلا اگر اینها فرنگ بودند احتمالا با شناسایی حرفه‌های اقتصادی و پولی می‌توانستند اسم‌ورسمی در کنند. مثل این بنده‌خدایی که توی خبرها خواندیم با ۲۰۰ قطعه سکه دستگیر شده است. به‌خدا ما استرس گرفتیم، چون ما رفته بودیم توی فکر که کلیه و کبد و غده لنفاوی و اینجا و آنجامان را بفروشیم و با پولش سکه بخریم. بعد فکر کن ما را با ۵۰ سکه دستگیری می‌کردند و می‌گفتند از کجا آوردی؟ می‌گفتم از اینجا، کسی باورش می‌شد؟

وقتی دیروز توی «شرق» خواندم که بانک مرکزی ی‌ک‌بار برای آزادی وحید مظلومین از زندان آمده وسط، باز هم رقت توی فکر که توی آن چندروز خودم را با او مقایسه می‌کردم. آن‌موقع او بابت مسائل پولی گیر بود. من بابت مسائل پولی همیشه گیر هستم! او بلد بود چطورزی از حفره و چاله‌های اقتصادی پول بسازد. من بلامد همیشه از چاله درزیایم و بی‌فتم توی چاه. آدم‌ها و همکارهای او را دستگیر کرده بودند که علیه او مدارک جمع کنند. یکی مثل من کافی بود که علیه آدم‌ها و همکارانم مدرک جمع شود! (الکی) او می‌خرد که قیمت‌ها بعد برود بالا، یکی مثل ماها وقتی قیمت‌ها می‌رود بالا، می‌خرد و خرکیف هم هست که سود کرده است! او بلد بود هر چیزی را به‌موقع بفروشد. ماها فکر می‌کنیم حالا نگه داریم، گران شد، بفروشیم و بعد که قیمت‌ها افتاد، شروع می‌کنیم به گریه‌کردن! بانک مرکزی برای آزادی او وساطت کرده است، بانک سرکوجه‌مان بابت یک وام دو میلیونی تا حالا ۱۶ بار حکم جلب من را گرفته که من را ببنداز آن تو.

خلاصه زندگی بازی‌های عجیبی دارد وحید آقای مظلومین، آدم باید بازی نخورد. بازی خوردن عجیب‌ترین و بدترین بازی بزرگ زندگی است و بازی‌بازی می‌بینی که یکهو جدی شد و بازی هم که از قدیم گفتند اشکنک داره، سرکش‌ستک داره. امیدوارم سرت سلامت باشد. ما که به‌جیز خوبی از شما ندیدیم هرچند آن ماهی ۵۰۰ دلار را من زده‌ام طلب!

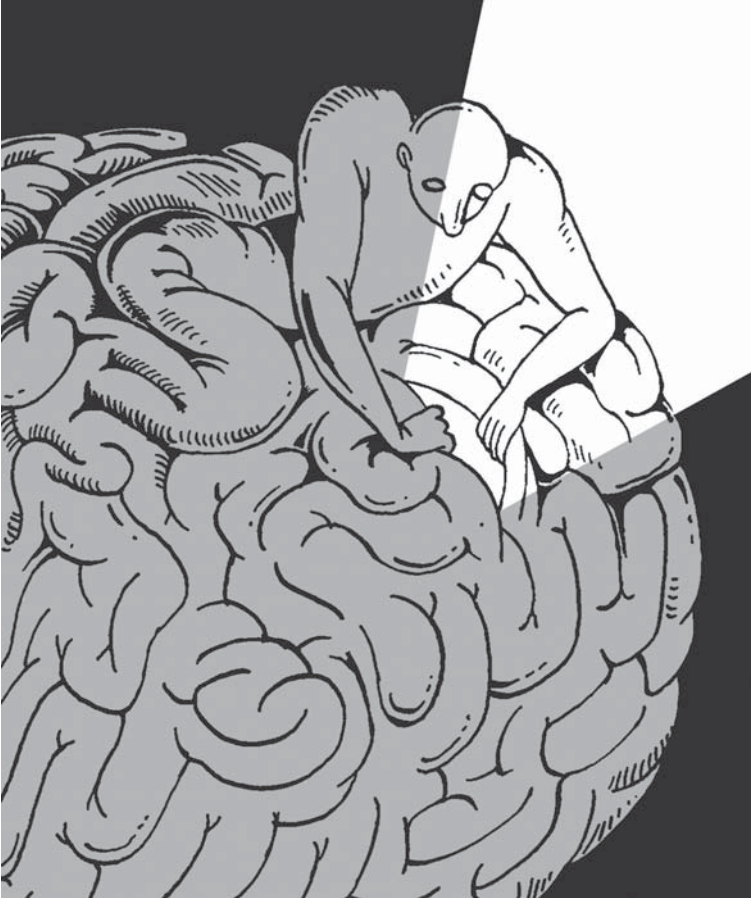
شرق روزنامه

دوشنبه « ۱۹ شهریور ۱۳۹۷ » ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۲۴۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۷ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنفرها

کارتون خواب

✎ **آلبرتو مورالس آجویل**



قصه‌های شهر

از شکار تازه چه خبر؟



✎ **گیتی صف‌زاده**

در محله ما پیرمردی است که هرروز صبح صندلی‌اش را از داخل خانه برمی‌دارد و می‌گذارد سر کوچه و می‌نشیند. الان دوهفته‌ای هست که به هر رهگذری که رد می‌شود و موبایل دستش است می‌گوید: مراقب باشید... دقت کنید... دخترم مواظب باش موبایلت را نزنند... پسرَم آن گوشی را بیا... .

از آنجا که خودم از آن دسته آدم‌هایی هستم که نصف کارهایم را در حال حرکت با موبایل انجام می‌دهم، من هم شامل این نصیحت می‌شوم، لبخند می‌زنم و می‌گویم چشم و راستش دلم گرم می‌شود.

چند روز پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی مطلبی دیدم از آقای‌ی که عنوانش دکترا اقتصاد بود و به‌عنوان کارشناس مسائل اقتصادی، برای برهه حساس کنونی توصیه‌هایی کرده بود. از صدر تا ذیل توصیه‌ها این بود که هرچه دارید (از گوشی گرفته تا همین برقی و خودرو و خانه) یک سرشماری دقیق بکنید و دودستی بچسبیدش و

نگذارید که آسیبی به آن برسد که اگر از دست برود دیگر جایگزینی آن ممکن نیست. یاد قبيله در آغاز تاریخ می‌افتم. قبيله‌ها هم در مواجهه با هر شرایط سختی؛ از بلایای طبیعی گرفته تا غیرطبیعی، به اول چیزی که فکری می‌کردند حفظ خودشان بود، خاندان و افراد قبيله که تعدادشان به صدها نفر می‌رسید. حالا قبيله‌هایمان کوچک شده‌اند، در حد پدر و مادر و چند فرزند. هنوز هم داریم از قبيله‌هایمان دفاع می‌کنیم. تقصیری هم نداریم.

باز خدا پدَر آن پیرمرد محلمان را بیامرزد که صندلی‌اش را از داخل قبيله‌اش به میان کوچه آورده و حرکت همدلانه‌ای انجام داده است. آن یکی صاحب قبيله ردای دکترا‌یی‌اش را بر سر کشیده و ندا در داده: قبيله‌هایتان را بچسبید، از ما گفتن بود.

ظهر دوستی را می‌بینم. نگران و باعجله

حرف می‌زند. تصمیم گرفته قبيله‌اش را بردارد و در یک منطقه خوش آب‌وهوای دیگر دنیا ساکن شود. در یک لحظه لباس تنش برانیم تبدیل به پوست پلنگ و موبایلش تبدیل به سرنیزه می‌شود. خنده‌ام می‌گیرد. می‌گویند به چی می‌خندى؟ می‌گویم هیچی، در فکر قبيله خودم هستم، از شکار تازه چه خبر؟

زیر آسمان تهران

بار سنگین هزینه‌های عروسی

ایستنا گزارشی درباره هزینه‌های یک عروسی تهیه کرده که خبرنگارانش در نقش عروس و داماد خیابان‌های تهران را گز کردند و خودشان را جای دختر و پسر جوانی قرار دادند که می‌خواهند زندگی مشترکشان را شروع کنند و با کلی هزینه‌های جورواجور و عجیب‌وغریب مواجه می‌شوند؛ از هزینه لباس عروس و کت‌وشلوار داماد گرفته تا تالار و باغ و شام عروسی. از هزینه

آرایش عروس و داماد تا هزینه

تور و کفش، اما اکنون در آستانه محرم و صفر هستیم، شاید پس از این دو ماه و آغاز دور جدید عروسی‌ها به قول نویسندگان این گزارش همین قیمت‌ها هم به خاطره‌ها پیوسته باشد. برگزاری



✎ **بهمن کشاورز**

حقوق‌دان



استاد شجریان از صداوسیما به علت پخش بدون اذن و اجازه آثار صوتی خود شکایت کرده بوده است. پس از سال‌ها حسب اظهار وکیل محترم ایشان دادگاه محترم رسیدگی‌کننده چنین نظر داده‌اند که چون پخش آثار استاد از صداوسیما باعث شهرت ایشان شده، ایشان ضرری نکرده‌اند و لذا شکایت‌شان مردود اعلام شده است.

اگر روایت دقیق باشد و واقعا استدلال دادگاه محترم همین‌گونه صورت گرفته باشد، با امری عجیب مواجه هستیم. به‌موجب قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، پدیدآورنده اثر بدون توجه به طریقه یا روشی که در بیان و ظهور و ایجاد آن به کار رفته باشد، دارای حقوق مسلمی است که مورد حمایت قانون است. بند ۴ از ماده ۲ قانون مذکور اثر موسیقی را به هر ترتیب و روش که نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد، از موارد مورد حمایت اعلام کرده است. پدیدآورنده اثر نسبت به نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر حق انحصاری دارد و این حق دارای مالکیت است و می‌تواند به

نگاه سبز

امیدوارکننده‌تر از این گزارش وجود ندارد!



✎ **محمد درویش**

۱- چهارشنبه گذشته، یک نهاد معتبر جهانی که ده‌ها پژوهشگر، تصمیم‌ساز و سیاستمدار شناخته‌شده بین‌المللی در شمار اعضایش قرار دارند، اعلام کرد: حرکت در مسیر استحصال انرژی‌های نو، نه‌فقط مقرون به‌صرفه و کاملاً اقتصادی – حتی برای کشورهای نفت‌خیز مانند ایران – است؛ بلکه می‌تواند در کمتر از ۱۲ سال آینده بیشتر از هر حوزه دیگری اشتغال پایدار آفریده و از مرگ زودرس و فقر به‌شدت بکاهد. بنا بر این گزارش، مبارزه با تغییرات اقلیمی می‌تواند بیش از ۶۵ میلیون شغل جدید در محدوده‌هایی با انتشار کربن کمتر ایجاد کرده، تا سال ۲۰۳۰ از مرگ زودرس ۷۰۰ هزار نفر پیشگیری و بالغ بر ۲۶ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی کمک کند.

۲- این گزارش به سیاست‌گذاران هشدار می‌دهد که برای دستیابی به این مزایای سبز دریچه‌ای به مدت دو، سه سال باز خواهد بود، در غیر این صورت سیاره می‌تواند لجام‌گسیخته و با سرعت در مسیر تشدید آثار سوء تغییرات اقلیم حرکت کند. آيا در ایران معنای این دوره کوتاه – یعنی تا پایان عمر دولت دوازدهم – درک می‌شود یا همچنان اردوگاه طرفدار سوختن نفت و گاز، سدسازها و استحصال انرژی اتمی با نشانی غلط‌دادن، حرکت در مسیر بالفعل‌کردن مزیت‌های کشور در حوزه انرژی‌های نو را گران و غیراقتصادی نشان می‌دهند؟!

۳- گزارش نام‌برده، تحت عنوان «افتتاح داستان رشد منحصربه‌فرد قرن بیست‌ویکم» پنج روز پیش از جانب کمیسیون جهانی در زمینه اقتصاد و اقلیم – یک سازمان بین‌المللی متشکل از سران سابق دولت‌ها، وزاری دارایی و رهبران بازرگانی- منتشر شد. نگارندگان این بررسی پژوهشی از دولت‌ها و بخش خصوصی خواسته‌اند تا با توجه به اینکه ادامه روال عادی می‌تواند دمای سیاره را تا سال ۲۰۳۰ در درجه افزایش دهد، تغییرات قاطعی را به اجرا بگذارند. به گفته وزیر دارایی سابق نیجریه، «ما در لحظه سرنوشت‌سازی قرار داریم. سیاست‌گذاران باید پای خود را از روی ترمز بردارند و نشان دهند که زمان برای داستان یک رشد جدید با فرصت‌های اقتصادی جالب فرا رسیده است».

۴- به گزارش فرانس‌پرس، این بررسی از پنج محدوده کلیدی از فرصت‌های سبز نام می‌برد: توسعه سامانه‌های انرژی پاک، بهبود طراحی شهری، تغییر به سمت کشاورزی پایدار، مدیریت هوشمند آب و کربن‌زدایی صنعت. این گزارش به دولت‌ها توصیه می‌کند تا هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ تا ۸۰ دلار برای هر تن کربن منتشرشده تا سال ۲۰۲۰ تعیین کنند. فرم بارانه‌ها و قیمت‌گذاری کربن می‌تواند سالانه ۲۰۸ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰ برای دولت درآمد داشته باشد. پل پولمان، مدیر شرکت Unilever و معاون این کمیسیون جهانی می‌گوید: «اگر ما می‌خواهیم از همه مزایای این امکانات جدید استفاده و از فروپاشی اقلیمی پیشگیری کنیم، رهبران اقتصادی و مالی، هم در دولت و هم در بخش خصوصی باید بیش از این و بسیار سریع عمل کنند».

۵- این بررسی همچنین کمک می‌کند تا هراس در این‌باره که دورشدن از سوخت‌های فسیلی، رشد اقتصادی را به رکود می‌کشاند، از بین برود؛ رخدای که در صورت تحقق مطابق گزارش روتیزر با آنچه «برنامه هواداری ترامپ از سوخت‌های فسیلی و مخالفت با قوانین محدودکننده آنهاست»، در تضاد آشکار قرار می‌گیرد. از یک سو می‌خواهیم به مقابله با ترامپ و افکار سلطه‌جویانه و تحریم‌های ظالمانه‌اش برویم و از سوی دیگر برای افکارش علنا هورا می‌کشیم و با افتخار می‌کوشیم زیر میز زده و از قرارداد پاریس خارج شویم! چرا؟

۶- به گفته هلن ماونت فورد، نگارنده اصلی گزارش: «هنوز این استنباط وجود دارد که حرکت در راه کاهش کربن بسیار پرهزینه و گران است. آنچه ما تلاش داریم با این گزارش انجام دهیم آن است که یک‌بار برای همیشه دلایل این پندار نادرست را افشا کرده و طرفداران ادامه استفاده از سوخت‌های فسیلی را رسوا کنیم».

۷- گفتنی آنکه این گزارش چهارشنبه آینده به دبیرکل سازمان ملل ارائه خواهد شد. رئیس‌جمهور سابق مکزیک، فلیپه کالدرون، مدیر افتخاری کمیسیون، اضافه می‌کند: «این بیشتر از یک گزارش است. این یک مانیفست است که ما چگونه می‌توانیم به رشد بهتر برسیم و به بهبودی اقلیم تحقق ببخشیم. زمان آن رسیده تا ما راهمان را در مسیر دنیایی عادلانه‌تر، مطمئن‌تر و پایدارتر قاطعانه قانون‌گذاری، نوآوری، سرمایه‌گذاری کنیم». خواننده عزیز روزنامه «شرق»! همه باید متحد، منسجم و خردمندانه از مسئولان خویش بخواهیم تا افسانه گران‌بودن استحصال انرژی‌های نو را پایان داده و یک‌بار برای همیشه، کشور را در مسیر درست و بخردانه توسعه متناسب با توانمندی‌های بوم‌شناختی و مصلحت‌های زیست‌بومی کره زمین راهبری کنند.

یادداشت

من موجب شهرت شما شدم!

حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی اعمال حاکمیت می‌کند، آنان را معاف از مجازات دانست. روشن است که مسئله مالکیت معنوی در سال ۱۳۴۸ از نظر قانون‌گذار چنان اهمیتی نداشته که مسئولیت شخص حقوقی را در این مورد به‌طور استثنائی وارد سیاست قضائی و جزایی کرده است.

حال چگونه ممکن است پس از ۵۰ سال ناگهان به پیش از سال ۱۳۴۸ برگردیم و پخش صدای هنرمند را از صداوسیما به این اعتبار که باعث شهرت او می‌شود، غیرقابل مجازات بدانیم. با قبول این استدلال هرکس می‌تواند از طرق مقتضی، نوشته‌ها و تالیفات نویسندگان و مؤلفان را به دست آورد و منتشر کند و استدلال کند که اثر ایشان را هیچ‌کس نمی‌شناخت، من با انتشار آن موجب شهرتش شدم؛ بنابراین باید چیزی هم به من بدهد! گمان می‌رود حال که بحث پیوستن ایران به WTO مطرح است که یکی از شروط آن پذیرش ضوابط کیی‌رایت است و درعین‌حال در سال‌های بعد از انقلاب بسیاری از مقابله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی راجع به مالکیت فکری و معنوی را پذیرفته‌ایم، این استدلال غیرقابل‌پذیرش است هرچند که بدون این تحولات و بر مبنای نفس قانون مصوب ۱۳۴۸ نیز این استدلال غیرقابل‌قبول بود. والله اعلم.

آکادمی

چرا قلیان‌هایمان را گلدان نکردیم؟



✎ **بابک زمانی**
رئیس انجمن سکنه مغزی

آقای «ش. ج.» ۴۸ساله، تاجر، روز چهارشنبه ساعت هفت بعدازظهر بعد از جنم یک غلیظ به قلیان دچار فلج نیمه راست بدن و اختلال تکلم شد. عروق مغز لوله‌های پلاستیک نیستند، لوله‌هایی هستند با جداری که به‌واسطه برخی مواد شیمیایی قطرشان می‌تواند تنگ یا گشاد شود. برخی داروها، برخی مواد ایفونی و البته قلیان می‌توانند باعث انقباض شدید و در نتیجه کاهش جریان خون بخش‌هایی از مغز شوند. البته نوعی استعداد هم در بروز این اتفاق بی‌تأثیر نیست. در عروق مغز آقای «ش. ج.» هم همین اتفاق افتاده بود. این یک نمونه از اثر مستقیم و مستقل قلیان است. در تعداد زیادی بیماری‌های دیگر تأثیر قلیان تا این حد روشن و بی‌ابهام نیست. در بسیاری از بیماری‌ها تنها یک عامل خطر و تشدیدکننده است و در برخی دیگر هم یک عامل پراکنیزنده است. دو سال پیش انجمن سکنه مغزی ایران با اعلام فراخوانی درخواست کرد: «قلیان‌ها را گلدان کنیم». با وجود تلاش انجمن سکنه مغزی، انجمن ربه، جمعیت مبارزه با دخانیات و برخی انجمن‌ها و استادان شناخته‌شده دیگر در دو سال گذشته، بسیاری از رستوران‌ها هیچ توجهی به این درخواست نشان ندادند. هیچ قلیانی را گلدان نکردند و همچنان به این تجارت مرگ‌آور ادامه می‌دهند. گروه‌هایی از جوانان و مردم در مراجعه به رستوران‌هایی که قلیان عرضه می‌کردند، از صرف غذا امتناع نکردند، هنرمندان و به‌اصطلاح سلبریتی‌های زیادی بدون دریافت سکه در این کمپین شرکت نکردند و جلوی دوربین هیچ قلیانی را گلدان نکردند. افراد سرشناس و سیاستور در حاشیه مصاحبه‌های خود حداقل از تصویر یک قلیان گلدان‌شده استفاده نکردند. وزارت بهداشت آن‌قدر درگیر مسائل متعدد بود که با وجود قوانین، عزمی جدی در مقابله با این بلیه نوظهور از خود نشان نداد. دولت که اقتدار خود را در جاهای دیگر خرج کرده بود، توانی برای این کمپین که بی‌تردید مخالفانی جدی داشت برایش نمانده بود. جامعه نه‌تنها توانست قلیان را هم یکی از مُحرّمات به‌حساب آورد، حتی قادر نبود مانع از استفاده از آن شود! و قلیان به‌عنوان یک کسب‌وکار پررونق در بخش مهمی از رستوران‌های درسته‌ست شهر ما به حیات خود ادامه داد. اکنون پس از دو سال زمان آن فرا رسیده است که بی‌سریم راستی چرا قلیان‌هایمان را گلدان نکردیم؟ آیا مشغول مشکلات مهم‌تر و کلی‌تری بودیم؟ بحران‌های اقتصادی- اجتماعی‌ای که فرصتی برای مسائل بی‌اهمیت! مثلا قلیان را نمی‌داد؟ شاید هم فقط به کلیات می‌اندیشیدیم و به اشکالاتی که در بیرون از خود ما قابل رؤیت هستند، ایرادهایی که از دیگران می‌گیریم و کارهایی که از مسئولان و از مردم می‌خواهیم انجام دهند. به آنچه خود انجام می‌دهیم و آنچه توان انجامش را داریم نیندیشیدیم. به تغییرات جزئی اما واقعی که به تدریج منجر به تغییرات کلی می‌شوند بهایی ندادیم! وقتی نمی‌توانیم برای رفع یک بلیه آشکار که در خطرناک و غیرمنطقی‌بودن آن هیچ اختلاف‌نظری وجود ندارد و راهکارهای روشنی برای مقابله با آن وجود دارد، کوچک‌ترین حرکتی از خود نشان دهیم، در برابر بحران‌های عظیم اقتصادی و سیاسی که تنها رسیدن به نقطه نظری منطقی در مورد هرکدام از آنها مستلزم تلاش و تحرک فکری قابل ملاحظه‌ای است چه خواهیم کرد؟!

تجربه دیگران

شاید پاپ استعفا بدهد



بسیاری درخواست استعفا‌ی پاپ فرانسیس را پس از ماجرای رسوایی تجاوز کشیش به کودکان مطرح کردند؛ اما برخی دیگر معتقدند او باید بر سر کار بماند و توصیه کردند او به‌عنوان نماد مقاومت برای بخش‌هایی از

سنت‌گرایان که با پاپ اصلاح‌طلب فرانسیس مخالف هستند، باقی بماند. یکی دیگر از نزدیکان پاپ گفت: «او انقلاب (فرانسیس) را متوقف نخواهد کرد؛ اما حضور او به همه یادآوری می‌کند راه دیگری غیر از استعفا ممکن است». هنگامی که پاپ مدت‌ها پیش به ایرلند سفر کرد، با عدم استقبال مردم روبه‌رو شد؛ به‌طوری‌که عکس‌های سفر پاپ قبلی در ۴۰ سال پیش با او مدتها در شبکه‌های اجتماعی منتشر و مقایسه می‌شد. همچنین رسانه‌ها به مقایسه فضای ایرلند در آن زمان و اکنون می‌پرداختند.